

مبانی امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین (ع)

ابوعلی عبدالقادر محمدی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی به بررسی فقهی «امر به معروف و نهی از منکر» با تکیه بر سیره امام حسین (ع) می‌پردازد با این هدف که مبانی فقهی این فریضه در پرتو رفتار و گفتار امام حسین (ع) و تحلیل جایگاه آن در اصلاح دینی و اجتماعی امت اسلامی، بازناسی گردد. از این رو باید پرسید: «مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام حسین (ع) چیست». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این دو فریضه در کتاب و سنت ریشه دارند و فقیهان دایره «معروف» و «منکر» را فراتر از واجب و حرام، شامل مستحب و مکروه نیز دانسته‌اند. در دوران امویان، تحریف گسترده احکام الهی موجب رواج منکرات به‌عنوان معروف شده بود و امام حسین (ع) با قیام در برابر این انحراف، مصداق کامل تحقق امر به معروف و نهی از منکر را آشکار ساخت. نتیجه تحقیق آن است که سیره امام معصوم (ع) نه تنها مبنای فقهی وجود این فریضه است، بلکه معیار تشخیص معروف و منکر در شرایط اجتماعی نیز به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (ع)، معروف، منکر، مبانی، فقه، حکومت، سیره.

۱. دکتری فلسفه و عرفان اسلامی، استاد دانشگاه المصطفی و حوزه علمیه صادقیه، کابل، افغانستان.



مقدمه

سخن، رفتار و سیره پیامبر اسلام^(ص) و امامان معصوم^(ع) به‌عنوان «سنت معصوم»، از مهم‌ترین منابع در شناخت معارف، ارزش‌ها و احکام الهی به‌شمار می‌آید. در این میان، فریضه امر به معروف و نهی از منکر جایگاهی ویژه دارد و نمود برجسته آن در رفتار و گفتار امام حسین^(ع) آشکار است. آن حضرت با قیام آگاهانه و شهادت مظلومانه خود در برابر حکومت ستمگر اموی، روح تازه‌ای در این فریضه دمید و آن را از حالت فراموشی به عرصه عمل و آگاهی اجتماعی بازگرداند.

امر به معروف از واجبات بنیادین اسلام است که استمرار و تحقق دیگر احکام دینی به آن وابسته است؛ زیرا در سایه اجرای آن، ارزش‌های الهی در جامعه زنده می‌ماند و انحرافات مهار می‌شود. در عصر اموی، هنگامی که معروف‌ها به فراموشی سپرده شده و منکرات آشکارا جایگزین آن شده بود، قیام امام حسین^(ع) تلاشی الهی برای احیای این فریضه و بازگرداندن دین به مسیر اصیل خود بود. از این رو نهضت عاشورا را می‌توان تجلی عملی امر به معروف و نهی از منکر دانست که با فداکاری امام^(ع) و یارانش، به سرچشمه‌ای ماندگار برای بیداری دینی و اجتماعی مسلمانان تبدیل شد. مبانی امر به معروف و نهی از منکر، با توجه به سیره حضرت امام حسین در این تحقیق بررسی و تبیین می‌شود.

۱. مفاهیم

واژگان «امر» و «نهی» که مفردات و مؤلفه‌های موضوع امر به معروف و نهی از منکر حساب می‌شوند، ضرورت دارد به‌اختصار تبیین گردند تا معنای موضوع مذکور روشن گردد.

۱-۱. امر به معنای کار و چیز

واژه «امر» به معنای «کار یا چیز» و «دستور» (فرمان) به کار رفته است. به‌عنوان نمونه «امر» در آیات زیر به معنای کار و چیز بوده که جمع آن «امور» است. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ آفریننده آسمان‌ها و زمین است و هرگاه اراده چیزی کند، می‌گوید: موجود شو و آن چیز موجود می‌شود» (بقره: ۱۷). «وَسَاوِرُهُمْ

فِي الْأَمْرِ؛ وَدَر كَارِهَا بَا آنَان مَشُورَتِ نَمَا» (آل عمران: ۱۵۹).

۲-۱. «امر» به معنای دستور و فرمان

«امر» در این معنا، ضد منع و نهی بوده و جمع آن «اوامر» گفته شده است. در آیاتی نیز کلمه «امر» به معنای دستور است که با معنای دوم «امر» مناسبت دارد. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...؛ بگو پروردگرم به اجرای عدالت دستور داده است» (اعراف: ۲۹). «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ؛ حَقِّقْ فرمانروایی از آن خداست و او دستور داده که جز او را عبادت نکنید» (یوسف: ۴۰).

فریضه «امر به معروف» از مؤلفه‌های زیر تشکیل شده و در صورت فقدان یکی از این مؤلفه‌ها امر به معروف تحقق نمی‌یابد: ۱. «آمر» که دستوردهنده است؛ ۲. «امر» در فریضه امر به معروف و نهی از منکر که به معنای «دستور و فرمان» است؛ ۳. «معروف» به عنوان مأمور به همان کار مطلوب است که بایستی انجام شود؛ ۴. «مأمور» که مخاطب مورد نظر است.

بنابراین «معروف و منکر» به عنوان دو مفهوم متضاد، در لغت به معنای شناخته شده و ناشناخته است (راغب اصفهانی، ۵۶۱). به طور کلی، «معروف» به کارهایی نیکو و پسندیده استعمال می‌شود. در مقابل، «منکر» به کارهای زشت گفته می‌شود که نیکویی یا بدی آن‌ها توسط عقل یا شرع، شناخته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۱: ۳۹۷). به تعبیر دیگر با تبیین معنای «معروف» (که امور مورد پسند عقل و شرع است) می‌توان گفت، «مُنْكَرٌ» امری است که نزد عقل سلیم و دین اسلام، مورد تأیید نیست.

۳-۱. نهی و منهی عنه

مفهوم لغوی «نهی» بازداشتن و ممانعت از کار نامطلوب است. زجر و بازداشتن از انجام کار در شریعت معمولاً به شکل نهی «لا تفعل» (انجام نده) بیان شده و «امر» به طور معمول در قالب امر «افعل» (انجام بده) ارائه شده است. درعین حال، از فحوای برخی جملات و گزاره‌ها نیز «نهی» و «امر» فهمیده می‌شود (طوسی، ۱۳۷۲: ۱۴، ۲). مانند این جمله خبری قرآن کریم: «وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛ (مادران دو سال کامل اولاد خود را شیر می‌دهند) که منطوق آیه از دو سال کامل شیر دادن شیرخواران توسط





مادران خبر داده، اما مستلزم «امر» و دستور الهی است که دو سال شیر دادن به شیرخواران الزامی است» (بقره: ۲۳۳).

در آیات زیر «نهی» به معنای منع و بازداشتن از انجام کار است. در آیه نخست، انسان از هوا و هوس نامشروع، منع شده و در آیه دوم، انسان از انجام «فحشاء، منکر و ظلم»، نهی شده است. در آیه سوم، فلاح و رستگاری انسان در گرو انجام کار خیر، امر به معروف و نهی از منکر، است.

الف. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ؛ اما آنکه از ساحت پروردگارش ترسید و نفس را از هوس بازداشت پس بهشت جایگاه اوست» (نازعات: ۴۰-۴۱).

ب. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوی» (نحل: ۹۰).

ج. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به سوی کار خیر دعوت نمایند و به کار نیک امر کنند و از کار زشت بازدارند و آنان رستگارند» (آل عمران: ۱۰۴).

«نهی از منکر» مانند «امر به معروف» دارای مؤلفه‌های زیر است که در صورت نبود یکی از آنها نهی از منکر تحقق نخواهد یافت. ۱. وجود فرد «ناهی» که دیگران را از انجام منکر منع و نهی نماید و یکی از مؤلفه‌های نهی از منکر شمرده می‌شود؛ ۲ و ۳. وجود «منه‌ی عنه» و «منکر»؛ یعنی کاری که در شرع انجام آن نهی شده، دیگر مؤلفه این موضوع است که با فقدان آن، نهی از منکر معنا ندارد؛ ۴. «منه‌ی»، عبارت است از کسی که در صدد انجام منکر است و با ممانعت قولی یا عملی ناهی از منکر مواجه می‌گردد.

۴-۱. اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر

مفهوم اصطلاحی «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان اصطلاح دینی لازم است از منظر فقه اسلامی بررسی گردد؛ زیرا این موضوع در فقه مانند دیگر احکام الله دو تکلیف



و دو حکم واجب الهی است و از فروع دین به شمار می آیند. بنابراین «امر به معروف» در اصطلاح به معنای «ارشاد و دعوت کردن کسی است که حکم واجب یا مستحب را ترک کرده تا آن را انجام دهد». «نهی از منکر» یعنی «ممانعت و جلوگیری کسی که کار حرام یا مکروه را انجام می دهد». بر این اساس، می توان گفت، به احکام واجب و مستحب دینی «معروف» گفته می شود و به احکام حرام و مکروه «منکر» گفته می شود. از این رو، ارشاد و دعوت مردم به انجام کارهای واجب و مستحب امر به معروف و بازداشتن آنان از کارهای حرام و مکروه، نهی از منکر به شمار می آید.

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است؛ اگر افرادی به قدر کافی به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود و اگر همه افراد با وجود شرایط، آن را ترک کرده باشند، به خاطر ترک واجب گناه کارند. شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر آمر به معروف و ناهی از منکر این است که نسبت به معروف و منکر آگاهی داشته باشد و احتمال تأثیرگذاری انجام این فریضه الهی نیز در بین باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۱، ۶۵۹).

۲. مبانی نقلی امر به معروف و نهی از منکر

مبانی «امر به معروف» و «نهی از منکر» در یک تقسیم کلی به مبانی نقلی و عقلی تقسیم می شوند، آنگاه مبانی نقلی به دو مبنای «و حیانی» (کتاب) و «سنت» دسته بندی می گردند. «اجماع نظر فقیهان» اگرچه در کتب اصولی دلیل و مبنای مستقل استنباط احکام فقهی نگاشته شده است، ولی در واقع «اجماع» حاکی از سخن معصوم بوده و خود دلیل و مبنای مستقل حساب نمی شود. از این رو، «اجماع» را جزء مبنای نقلی دانسته ایم.

۲-۱. قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبع شریعت اسلامی، مبنای اساسی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را تبیین کرده است. در آیات متعددی، این دو اصل به عنوان وظیفه ای همگانی برای اصلاح جامعه و پاسداری از ارزش های الهی مطرح شده اند. خداوند می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ



الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴). این آیه بر ضرورت وجود گروهی آگاه برای دعوت به خیر و اصلاح اجتماعی تأکید دارد. همچنین در آیه دیگر آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (توبه: ۷۱). این آیه بیانگر مسئولیت متقابل مؤمنان در اصلاح یکدیگر است. بدین سان، قرآن امر به معروف و نهی از منکر را پایه تحقق عدالت، سلامت اخلاقی و بقای جامعه ایمانی می‌داند.

۲-۲. سنت معصومین (ع)

مبانی روایی گسترده در زمینه وجود امر به معروف و نهی از منکر در صورت جمع بودن شرایط آن، وجود دارد، به ذکر چند نمونه روایی در این مورد بسنده می‌کنیم؛ زیرا کلمات و عملکرد امام حسین (ع) به عنوان مبنای روایی امر به معروف و نهی از منکر، بهترین مبنای وجوب انجام امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌آید. وجوب امر به معروف و نهی از منکر در روایت پیامبر (ص) از طریق امام رضا (ع) این گونه نقل شده است:

۱. سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمَمَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذُنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ؛ رَوَىٰ از امام رضا (ع) شنیده است که آن حضرت از رسول خدا (ص) چنین نقل کرد: «هرگاه امت امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار نمایند (و همگان ترک کنند)، پس آماده عذاب الهی باشند» (کلینی، ۱۴۲۹: ۹، ۴۹۳).

۲. و عنه (ص) أنه قال: «لا تزال أمتي بخير ما أمروا بالمعروف ونهوا عن المنكر و تعاونوا على البرّ، فاذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البركات و سلّط بعضهم على بعض و لم يكن لهم ناصر في الأرض و لا في السماء؛ از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «امتم همواره بر خیر استوار اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و بر نیکوکاری یکدیگر را یاری کنند، ولی هرگاه این کار را ترک کنند، برکات از آنان برچیده شده و برخی (ظالمان) بر برخی دیگر (مظلومان) مسلط خواهند شد و برای آنان (مظلومان) [به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر] یاری کننده در زمین و آسمان نخواهد بود» (سیفی، ۱۴۱۵: ۲).

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَى الشَّيْخَةِ «لِيُعْطَفَنَ ذُوو السِّنِّ



مِنْكُمْ وَ التَّهَى عَلَى ذَوَى الْجَهْلِ وَ طَلَابِ الرِّئَاسَةِ أَوْ لَتُصَيَّبَنَّكُمْ لَعْنَتِي أَجْمَعِينَ؛ از طریق محمد بن مسلم روایت شده که امام صادق (ع) به شیعیان نوشت: «نسبت به افراد مسن خودتان مهربان باشید، جاهلان و ریاست طلبان را نهی از منکر نمایید، در غیر این صورت لعنت و نفرین من بر همه شما، خواهد رسید» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶، ۱۲۰).

۲-۳. سیره امام حسین (ع)

عمل به تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر»، توسط رهبران معصوم همواره وجود داشته که با توجه به شرایط زمانی و مکانی در عملی سازی این تکلیف الهی متفاوت عمل کرده‌اند. به عنوان نمونه در جنگ صفین امام علی (ع) در حالی که نبرد میان جبهه حق علوی و جبهه باطل اموی جریان داشت، زوال خورشید و وقت نماز را رصد می کرد و برای انجام فریضه نماز آماده می شد که مورد تعجب و سؤال ابن عباس واقع شد: «یا امیرالمؤمنین آیا در این هنگام که سرگرم جنگ هستیم، وقت انجام نماز است؟» جواب کاربردی «امر به معروف» امام این بود که «جنگ ما (با منافقان) به خاطر اقامه نماز است».

۲-۳-۱. اسلوب امر به معروف در وصیت نامه امام (ع)

«امام حسین» همچون پدرش «علی» و برادرش حسن با رویکرد خاصی بر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر تلاش کرد. معروف ترین نگرش امام حسین در این زمینه در وصیت نامه امام (ع) به برادرش محمد حنفیه است که در آن مؤلفه های مانند «اصلاح امت اسلام»، «انجام تکلیف امر به معروف و نهی از منکر» و «عمل به سیره و روش جدش محمد و پدرش علی»، اهداف جهاد دفاعی امام حسین را نشان می دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنْفِيَةِ أَنَّ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًّا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ص أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ



وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ «وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَ هَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۳۰۳).

به نام خداوند رحمت‌گر مهربان، این نامه است که حسین بن علی به برادرش معروف به محمد حنفیه وصیت کرده؛ همانا حسین شهادت می‌دهد که خداوند یکی است و شریکی ندارد، محمد بنده و فرستاده اوست که با حق از نزد حق آمده (و رسالت الهی را آورده)، همانا بهشت و آتش (دوزخ) حق است و قیامت خواهد آمد که شکی در آن نیست و همانا خداوند مردگان را از قبور برمی‌انگیزد (زنده می‌کند) و همانا من برای طغیان و خوش‌گذرانی و فساد و ظلم از مدینه خارج نشدم، همانا خروج من برای اصلاح امت جدم بوده و اراده کردم که تکلیف امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهم و به سیره و روش جدم رسول‌الله و پدرم علی، عمل نمایم. پس کسی که رویکرد مرا که حق هستم بپذیرد خداوند سزاوار به حق است (خداوند را نیز پذیرفته) و کسی مرا در این زمینه نپذیرد و رد کند صبر می‌کنم تا این‌که آفریدگار بین من و قوم [مرتد] در محکمه حق قضاوت نماید و او بهترین حکم‌کنندگان است. این است وصیتم برادرم نسبت به شما و توفیقی نیست مگر از جانب خداوند، بر او توکل کرده و به سوی او باز می‌گردم.

۴-۲. اتفاق آرای فقها

اجماع نظر فقیهان نسبت به وجوب امر به معروف و نهی از منکر، حاکی از سخن معصوم بوده و مبنای مستقل حساب نمی‌شود؛ از این رو «اجماع» جزء مبانی نقلی و مندرج در آن خواهد بود. علی‌رغم این، اقوال تعدادی از فقیهان در زمینه امر به معروف و نهی از منکر در اینجا ارائه می‌گردد. نسبت به قلمرو امر به معروف و نهی از منکر این پرسش مطرح است که «امر به معروف» شامل چه احکامی می‌شود؟ و «نهی از منکر» فقط در گستره ممانعت از انجام محرمات است یا شامل احکام مکروه نیز می‌شود؟

«امر به معروف» دعوت به نیکی و «نهی از منکر» بازداشتن از بدی است. مقصود فقیهان از امر و دعوت به نیکی، همچنین بازداشتن از انجام بدی، مطلق دعوت و ارشاد شخص بر انجام یا ترک چیزی است که به صورت گفتاری یا عملی امکان داشته باشد. لذا



معروف و منکر هر کاری پسندیده و ناپسندی است که از نظر عقل و شرع چنین شناخته شود، اعم از این که واجب، مستحب، حرام یا مکروه باشد (همان: ۱، ۶۵۹).

برخی از فقیهان همچون محقق حلی، «معروف» را شامل کارهای واجب و مستحب دانسته و «منکر» را فقط شامل حرام گفته است (محقق حلی، ۱۳۸۵: ۱، ۳۱۰). شهید ثانی، حکم نهی از انجام منکرات را گسترده دانسته که شامل نهی از کارهای مکروه نیز می‌شود. ایشان در تبیین کلام محقق حلی نگاشته است: «و کان ینبغی إدراجہ فی النهی، فان النهی عنہ مستحب، کالامر بالمندوب...»، سزاوار است که مکروه داخل (حکم) نهی باشد، زیرا نهی از انجام کار مکروه، مستحب است، همان‌گونه که امر به مندوب (کار مستحب) مستحب است (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ۳، ۱۰۰).

اغلب فقیهان، رویکرد شهید ثانی را پیش‌گرفته و گستره «معروف» و «منکر» را اضافه بر واجبات و محرمات شامل کارهای مستحب و مکروه نیز دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه امام خمینی نگاشته است: «چیزی که عقلاً یا شرعاً واجب است، امر به آن واجب است و چیزی که مستحب است، امر به آن مستحب است، همچنین نهی از مکروه نیز مستحب است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲، ۲۸۷).

۳. مبنای عقلی امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه شرع، در اصل وجوب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، میان اهل شریعت اختلافی وجود ندارد و همگی بر وجوب آن اتفاق نظر دارند؛ اختلاف تنها در بُعد عقلی این وجوب مطرح است. شیخ طوسی بر وجوب عقلی این دو فریضه تأکید کرده و معتقد است که هر دو از مصادیق «لطف» و «عنایت» الهی‌اند و چون هر لطفی بر خداوند واجب است، امر به معروف و نهی از منکر نیز به‌طور عقلی واجب هستند. در مقابل، سید مرتضی وجوب عقلی آن را رد کرده و استدلال می‌کند که اگر این دو فریضه واجب عقلی می‌بودند، لازمه‌اش تحقق همه معروف‌ها و رفع همه منکرات بود، یا باید پذیرفت که خداوند در انجام آن اخلال کرده و هر دو فرض باطلند؛ زیرا واجب عقلی از فاعل خود تخلف نمی‌ورزد (فاضل مقداد سیوری، ۱۳۹۳: ۱، ۴۷۱).



با این حال، استدلال سید مرتضی خالی از اشکال نیست؛ زیرا «واجب» دارای مراتب و تنوع است. برای مثال، بر فردی که توانایی انجام امر به معروف و نهی از منکر را دارد، این وظیفه هم به صورت قلبی و هم زبانی واجب است؛ اما برای فرد ناتوان، تنها انکار قلبی واجب است. بنابراین همان‌گونه که در میان مکلفان تفاوت در قدرت و تکلیف وجود دارد، در نسبت دادن وجوب نیز تفاوت پدید می‌آید. بر این اساس، بر خداوند واجب است که از طریق انذار، مردم را آگاه کند تا تکلیف الهی باطل نگردد و پس از تحقق انذار، وظیفه پذیرش یا رد آن بر عهده انسان عاقل خواهد بود (همان).

۴. اهداف قیام امام حسین (ع)

راجع به اهداف قیام جهادی امام حسین در مقابل رویکرد بنی امیه به ویژه یزید، تحقیقات فراوان شده که هر یک در جای خود قابل تقدیر است. آنچه در این پژوهش مختصر لازم است توجه گردد، تبیین قرآن و شواهد تاریخی دین‌ستیزی بنی امیه است که قیام جهادی امام (ع) بر ضد آن صورت گرفت تا دین الهی، با خون فرزند نبی اکرم (ص) و اسارت اهل بیت خاندان عصمت و طهارت، احیاء شود. به خصوص در مورد حاکمیت یزید که به هتک حرمت اهل بیت، اقدام کرد. ارائه چنین شواهدی ضرورت دارد. در ادامه برخی از اهداف قیام حضرت، تبیین می‌شود:

۱-۴. تشکیل حکومت اسلامی در پرتو امر به معروف

ارکان اصلی وصیت‌نامه امام حسین (ع) که در بالا گذشت عبارتند از ۱. اصلاح جامعه، ۲. کاربرد سازی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، ۳. احیاء و عملی سازی سیره و روش رسول الله (ص) و امام علی (ع).

هر چند که ارکان وصیت‌نامه، مؤلفه‌های هدف کلی امام حسین را که «احیای دین اسلام» تشکیل می‌دهد، ولی هر یک از این ارکان را نیز می‌توان به عنوان هدف اصلی امام برشمرد که مستلزم یکدیگرند؛ زیرا ایستادن در مقابل منکرات و ممانعت از انجام آن‌ها از قبیل منع شراب‌خواری و زناکاری، منع سگ‌بازی، ممانعت از ظلم و جلوگیری از کشتار بی‌گناهان و بالاخره ایستادن در مقابل هزاران منکر و عمل حرامی که حاکمیت جاهلی



اموی جایگزین احکام معروف الهی کرده بودند، بدون تشکیل نظام مقتدر اسلامی امکان نداشت و اصلاح جامعه فاسد با تبلیغ و سخنرانی کارساز نبود، بلکه اصلاح چنین جامعه نیازمند قدرت و حاکمیت صالح است که ضامن اجرائی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر باشد. بر این اساس، از فراز آخر وصیت نامه که خط مشی دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امام را ترسیم می کند می توان، موضوع تشکیل حکومت نبوی-علوی را به دست آورد که ضامن اجرائی احکام الله از جمله ضامن انجام «امر به معروف و نهی از منکر» به شمار می آید.

تغییر و اصلاح مفسدان و منافقان که در آن روزگار دین الهی را تحریف کرده بودند، با تبلیغ و نصیحت امکان پذیر نبود. به دلیل این که حاکمیت جاهلی بنی امیه، تمام این راه ها را مسدود کرده بود و مردم را به عیاشی و دین ستیزی سوق داده بودند.

۲-۴. اقامه نماز در پرتو امر به معروف

برپایی نماز که بنیان دیگر احکام الهی است مطابق اراده و خواست خداوند و سنت رسول الله (ص)، یکی از اهداف مهم امام حسین (ع) و لازمه امر به معروف و نهی از منکر در سیره عملی آن حضرت به شمار می آید. همان طور که در زیارت نامه آن امام همام شهادت می دهیم: «أشهد أنك قد أقمّت الصلاة؛ شهادت می دهیم که شما بنیان نماز را مطابق شریعت الهی با شهادت خود برپا و استوار کردی (و بنیان نماز منافقانه و دروغین اموی را نابود ساختی) (کلینی، ۱۴۰۷: ۸، ۵۷۰).

۳-۴. پایدار ساختن زکات در پرتو امر به معروف

در فراز دیگر از زیارت نامه امام حسین (ع) شهادت می دهیم که شما: با نثار خون مقدس خود بنیان زکات دادن و امر به معروف و نهی از منکر را، استوار ساختی «... و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» (همان).

امام حسین (ع) یگانه سبط رسول الله (ص) و جزء اهل بیت مطهر وی بود که خداوند در آیه مباحله با مسیحیان، از حسن و حسین (ع) به عنوان ابناء و فرزندان رسول الله (ص) یاد کرده، چنانکه از امام علی (ع) در کنار رسول الله به عنوان نفس آن حضرت یاد شده است. بنابراین



عقل سلیم حکم می‌کند که امام معصوم جانشین رسول‌الله بوده و در مقابل حاکمیت جاهلی اموی، امام^(ع) جهاد دفاعی انجام داد، همان‌طور که در سیره جدش رسول‌الله^(ص) جهاد دفاعی مشاهده می‌شود. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).

مقام معنوی اهل بیت که مطابق اراده آفریدگار سبحان به آنان اعطاء شده، اضافه بر آیه مذکور در آیات دیگر از جمله آیه تطهیر نیز اظهار شده است: «... إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳). نکته مهم دیگر، ادعای مندرج بودن زنان پیامبر^(ص) در آیه تطهیر به قرینه آیه مباحله، بدون دلیل بوده و آیه تطهیر که مخصوص اهل بیت معصوم پیامبر بوده، شامل زنان پیامبر^(ص) نمی‌شود.

بنابراین اگر زنان رسول‌الله بر فرض در آیه تطهیر مندرج پنداشته شوند، ولی در مورد «ابناء و نساء و انفسنا» (که در آیه مباحله اظهار شده) جلو هر نوع شبهه مسدود است؛ زیرا همراهان رسول‌الله جهت مباحله با مسیحیان، فقط «علی، حسنین و فاطمة الزهراء عليهم السلام» بودند. از این رو، فرزند و ابن رسول‌الله بودن دو امام معصوم «حسن و حسین» مطابق سخن وحی الهی است و قتل فرزند رسول‌الله به دستور یزید فاجعه‌ای است که قابل بیان نیست.

۴-۵. اصلاح جامعه در پرتو امر به معروف

فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» که محور عملی سازی و کاربردی کردن دیگر احکام و معارف الهی است و پشتوانه قوانین و هنجارهای اجتماعی به شمار می‌آید، در دوران حاکمیت جاهلی امویان فراموش شده بود و کسی از امت اسلامی جرئت انجام تکلیف فریضه مذکور را نداشت. نمونه‌های از تعطیل احکام الهی که در دوران حاکمیت اموی رایج شده بود، ارائه شد.

۴-۶. احیای حاکمیت نبوی-علوی

حاکمیت جاهلی اموی به گونه فضای دین‌گریزی و دین‌ستیزی را به وجود آورده بود که



جهاد دفاعی امام حسین (ع) را در پی داشت؛ زیرا با اجبار امام (ع) که با یزید بیعت کند، تنها راه دفاع از دین الهی و دفاع از خودش برای امام باقی مانده بود که امام (ع) آن را بر بیعت با مفسدان و زندگی ذلت بار ترجیح داد. پاسخ‌های منفی و قاطعانه امام حسین (ع) در جواب مروان بن حکم و ولید بن عتبه که خواهان بیعت با یزید بودند، نشانگر هدف جهاد دفاعی حسین از مدینه است و نامه‌های کوفیان که بعداً در مکه به امام رسیدند جزء اهداف جهاد دفاعی امام به شمار نمی‌آید.

در موارد زیر، هدف تشکیل حاکمیت اسلامی از طریق احیای حاکمیت نبوی-علوی موضوعی است که از کلام گهربار امام حسین به‌خوبی فهمیده می‌شود، حاکمیتی که مستلزم انجام تکلیف الهی «امر به معروف و نهی از منکر» است. از این رو، احیاء حاکمیت نبوی-علوی و امر به معروف مستلزم یکدیگرند و هر یک جزء مؤلفه‌های هدف کلی جهاد دفاعی امام به شمار می‌آید که همان «احیای دین الهی» بود.

الف. **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** و **عَلَىٰ الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بَلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ**، ثم قال... قد سمعت جدی رسول الله يقول: **الخلافة محرمة على آل أبي سفیان الطلقاء و أبناء الطلقاء، فإذا رأيتم معاوية على منبری فابقروا بطنه و لقد رآه أهل المدينة على منبر رسول الله فلم يفعلوا به ما أمروا فابتلاهم بانه يزید؛ ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، بر اسلام، سلام و فاتحه باید خواند، هرگاه اسلام با چوپانی (رهبری) مثل یزید (لعین) گرفتار شود، سپس فرمود: از جدم رسول الله شنیدم که فرمود: خلافت و حکومت بر آل ابوسفیان آزادشدگان فرزندان آزادشدگان، حرام است، پس هرگاه معاویه را بر منبر مشاهده کردید، شکمش را پاره کنید. اهل مدینه، او را بر منبر رسول الله (ص) دیدند؛ اما به آنچه امر شده بودند انجام ندادند، در نتیجه به شرارت پسرش (یزید) گرفتار شدند. «وَمِنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ إِذَا رَأَيْتُمْ مُعَاوِيَةَ عَلَىٰ مِنْبَرِي فَأَقْتُلُوهُ؛ همانا از رسول خدا روایت شده که فرمود: هرگاه معاویه را بر منبر مشاهده کردید، او را بکشید (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴، ۳۳۶).**

۴-۷. حق حاکمیت و خلافت اهل بیت (ع)

هر انسان عاقل و منصفی می‌داند که اهل بیت پیامبر (ص) به دین الهی و میراث فکری-معنوی پیامبر (ص) آشنایی کامل داشتند. پس شایسته حاکمیت و خلافت بودند. در موارد متعدد



رویکرد جهاد دفاعی در سیره امام حسین با هدف احیای اسلوب حاکمیت جدش پیامبر (ص) و پدرش علی (ع) در سخنان امام اظهار شده است. امام (ع) با یادآوری جایگاه معنوی اهل بیت از سزاوار بودن خود برای خلافت سخن گفته است که لازمه آن انقلاب علیه حاکمیت غاصبانۀ اموی بوده تا عدالت را در جامعه با روش حاکمیت الهی زنده نماید. «... و أنا أدعوكم إلى کتاب الله و سنّة نبیه (ص) فانّ السنّة قد امیتت و انّ البدعة قد احيیت و ان تسمعوا قولی و تطیعوا امری اهدکم سبیل الرشاد...؛ و من (حسین) شما را به سوی کتاب خداوند و سنت رسول الله (ص) فرامی خوانم، هما سنت پیامبر (ص) مرده و بدعت امویان زنده شده است، اگر به سخنم گوش دهید و امرم را اطاعت کنید شما را به سوی راه هدایت الهی، هدایت می کنم (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۱۰۷).

بنابراین امام حسین (ع) در فرازهای از نامه مذکور که به مردم بصره نوشته بود، موضوع هدایت مردم به سوی عمل به قرآن کریم و سنت جدش رسول الله (ص) را به روشنی بیان کرده است. موضوع عمل به قرآن و سنت پیامبر تنها در سایه ایجاد حاکمیت الهی توسط پیامبر (ص) یا امام معصوم امکان دارد که در زمان حسین (ع) تنها توسط خود آن حضرت این امر میسر بود. لذا مقابله با حاکمیت بنی امیه امر واجب بود تا جلو بدعت‌های اموی که به نام اسلام محمدی رایج شده بود، گرفته شود و احکام الهی در حاکمیت امام معصوم اظهار گردد.

۵. زمینه‌های جهاد دفاعی امام حسین (ع) و لزوم امر به معروف

جنگ‌های متعددی از سوی کفار قریش علیه پیامبر و مسلمانان رخ داده بودند. از این رو اسلام آوردن سران مشرکین (مانند ابولهب، ابوسفیان و...) امکان نداشت. با این وجود سرانجام مطابق اراده الهی با فتح مکه مشرکان قریش که دشمنان دیرینه اسلام بودند، ظاهراً اسلام اختیار کردند و جنگ با آنان متوقف شد. قرآن کریم از این موضوع به صراحت پرده برداشته است: «فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ» (سجده: ۳۰). در این جمله به رسول خدا (ص) امر شده که از کفار دوری نماید و منتظر فتح باشد، چنان‌که کفار منتظرند، چون کفار منتظر مرگ یا کشته شدن رسول خدا بودند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶، ۴۰۲).

از نگاه بنی امیه، رقیبانشان (بنی هاشم، محمد و یاران) سلطنت را ربوده و امویان را از





میدان قدرت بیرون رانده بودند. لذا درصدد بودند این شکست را جبران نمایند. یزید در جلسه که اسرای کربلا را آورده بودند اعتقاد شرک و کفر درونی خود را این گونه اظهار کرد:

لیت اشیاخی بیدر شهدوا وقعة الخزرج من وقع الاسل
لست من عتبة ان لم انتقم من بنی احمد ما کان فعل
لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء ولا وحی نزل

کاش بزرگان قریش که در بدر (واقعه خزرج) به دستور خدا و پیامبر (ص) و با شمشیر علی (ع) کشته شدند در اینجا حاضر بودند و می دیدند. من از خاندان عتبه بن ربیعه بن عبد شمس نباشم اگر انتقام آنان را از فرزندان احمد نگیرم. (عتبه از بنی امیه و کفار قریش بود که در سال دوم هجری در جنگ بدر کشته شد). هاشم با پادشاهی و ملک بازی کرد حال آن که نه خبری رسیده است و نه وحی نازل شده است؛ [نعوذ بالله]، آفریدگاری وجود ندارد، همچنین قرآن به عنوان وحی الهی، معاد و زندگی دائمی انس و جن در بهشت یا دوزخ و دیگر معارف قرآنی، ساخته و پرداخته محمد است (مشکور، ۱۳۷۲: ۲۷۲).

بر این اساس، راه‌های دیگری که برای اصلاح جامعهٔ مردهٔ اسلامی مؤثر واقع شوند، بسته بود و تنهاراهی که برای احیای دین الهی و بیدار کردن امت خفته باقی مانده بود، حرکت جهاد دفاعی امام حسین (ع) بود که از ارزش‌های دینی و الهی با خون خود و یارانش و با اسارت اهل بیتش به دفاع برخیزد. اگر آن بزرگوار برای احیای معروف و زدودن منکرات اجتماعی که بنی امیه پدید آورده بودند، قیام نمی‌کرد و رویکرد اسلام‌ستیزی اموی ادامه می‌یافت، احکام اسلام به کلی فراموش می‌شد و محرمات جایگزین احکام واجب می‌گشت.

قیام جهادی امام حسین (ع) به مردم فهماند که حاکم باید معصوم باشد یا از جانب حاکم معصوم انتصاب یابد و طبق احکام خدا رفتار نماید، در غیر این صورت حاکم با مردم دیگر تفاوتی ندارد. بنابراین «امر به معروف و نهی از منکر» در جهاد دفاعی امام حسین (ع) علی‌رغم این که نقش محوری دارد، توأم با دیگر مؤلفه‌های دخیل در این قیام مقدس (از قبیل تغییر حاکمیت جاهلی و ایجاد حکومت اسلامی اصیل، اصلاح امور اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) هدف جهاد دفاعی امام حسین را تشکیل می‌دهند.



چنانکه «امر به معروف و نهی از منکر» به صورت کلی می‌توانند هدف جهاد دفاعی امام شمرده شود و مؤلفه‌های مذکور دیگر، لازمه امر به معروف به شمار خواهد آمد؛ زیرا اجرای احکام الله از جمله اجرای دو حکم واجب و دو تکلیف شرعی «امر به معروف و نهی از منکر» بدون حاکمیت مشروع و با فقدان قوای اجرایی امکان ندارد. صرفاً تبلیغ زبانی تکالیف شرعی در مقابل حاکمیت مسلحانه جاهلی، نه تنها تأثیر نداشت، بلکه حاکمیت دیکتاتوری امویان همواره رویکرد حق را نابود می‌کرد.

نتیجه‌گیری

قیام امام حسین^(ع) نمود بارز «سیره هدایتی و اصلاحی» آن حضرت در عرصه اجتماعی و سیاسی است. محور اصلی این سیره، دو فریضه الهی «امر به معروف» و «نهی از منکر» است که به منزله راهبردی جامع برای هدایت جامعه و مقابله با انحرافات دینی و اخلاقی به شمار می‌آید. سیره امام حسین^(ع) با پیوند میان ارزش‌های الهی و کنش اجتماعی، الگویی ماندگار برای استنباط مبانی دینی در عرصه سیاست و جامعه فراهم می‌آورد.

حرکت انقلابی امام^(ع)، تبلور عینی امر به معروف و نهی از منکر در عالی‌ترین سطح آن بود. این قیام از مراتب گفتاری آغاز و به مراتب عملی، از جمله جهاد دفاعی، انجامید. در حقیقت، امام^(ع) در برابر ساختار ستم و تحریف‌گر دین، قیام کرد تا با بازگرداندن ارزش‌های اصیل اسلامی، جامعه را از انحطاط نجات دهد و عدالت را احیا نماید.

هدف نهایی قیام امام حسین^(ع) «احیای دین الهی» بود که در مؤلفه‌هایی همچون امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه، عمل به سیره پیامبر^(ص) و امام علی^(ع)، و احیای حاکمیت نبوی-علوی متجلی شد. از این منظر، سیره نظری و عملی امام معصوم^(ع) نه تنها منبع الهام، بلکه مبانی فقهی و شرعی برای فهم درست امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا گفتار و کردار امام معصوم خود معیار تشخیص حق و هدایت دینی محسوب می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، (۱۴۱۷)، وقعة الطفّ، قم: جامعه مدرسین.
۲. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۵)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۳. حر عاملی، محمد، (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت.
۴. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۹۶)، المفردات، تهران: کتاب عقیق.
۵. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۵)، بحوث فی الملل و النحل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶. سیفی، علی اکبر، (۱۴۱۵)، دلیل تحریر الوسيلة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. شهیدثانی، زین الدین، (۱۳۸۱)، مسالک الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام، تهران: مؤسسه معارف اسلامی.
۸. الطائی، نجاح، (۱۳۸۹)، أئمة إثني عشر من كتب السنة، بیروت: دار الهدی.
۹. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۲)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. عراقی، ضیاء الدین، (۱۳۸۰)، نهاییة الافکار، قم: انتشارات اسلامی.
۱۲. فاضل مقداد سیوری، مقداد بن عبد الله، (۱۳۹۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، (مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی)، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
۱۳. کلینی، محمد، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۴. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۵. محقق حلّی، جعفر، (۱۳۸۵)، شرایع الاسلام، فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: بنیاد معارف اسلامی.



۱۶. مسعودی، علی، (۱۳۹۶)، *مروج الذهب*، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۲)، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: آستان قدر رضوی.
۱۸. مصباح، محمدتقی و غلامحسین محرمی، (۱۳۸۹)، *آذرخش کربلا*، قم: مؤسسه امام خمینی.
۱۹. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، *تحریر الوسيلة*، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۲۰. النشار، سامی، (۱۹۷۷ م)، *نشأة الفكر الفلسفي في الاسلام*، قاهره: دار المعارف.

